

سه سرعت گیر احیای برجام

اکنون و در آستانه برگزاری هفتمین دور از مذاکرات کمیسیون مشترک برجام (احتمالا اواسط تیر)، طرفین با خوشبینی محتاطانه‌ای اعتقاد دارند که این دور می‌تواند دور پایانی باشد؛ به شرط اخذ تصمیم‌های سیاسی طرف مقابل.
#۴۷

به گزارش سایت خبری پرسون، عابد اکبری نوشت: آمریکا تاکید کرده که فرصت مذاکره با ایران در مورد احیای برجام نامحدود نیست. ایران نیز بر لغو «همه» تحریم‌های آمریکا به صورت قابل راستی‌آزمایی اصرار دارد. احتمالا ارزیابی طرف آمریکایی این است که ایران به دلیل مسائل سیاست داخلی و فشار اقتصادی برای توافق و احیای برجام عجله دارد، به همین دلیل رابرت مالی گفته بود، چون به احیای برجام امیدوار است به وین می‌رود. در مجموع می‌توان گفت، پس از ۶ دور مذاکره فشرده، پیشرفت قابل توجهی حاصل شده، اما موضوعات کلیدی باقی مانده است که می‌تواند تمام پروژه احیای برجام را با خطر جدی مواجه کند. توانایی‌های هسته‌ای، تحریم‌ها و ترتیب اقدامات طرفین در خصوص راستی‌آزمایی؛ این سه موضوع بسیار مهم هستند.

۱- اختلاف کلیدی اول در مورد تعهدات برجامی ایران و توانایی هسته‌ای آن است. به نظر می‌رسد همچنان مساله ماشین‌های نسل جدید هسته‌ای تهران یک موضوع کلیدی است. از دید طرف مقابل اگر ایران از نابود کردن سانتریفیوژهای پیشرفته خودداری کند، زمان گریز این کشور کوتاه‌تر خواهد بود؛ مگر اینکه ایران بپذیرد که به میزان معادل این ماشین‌ها، سانتریفیوژ نسل اول را از مدار خارج کند. این اقدام، از دید ایران غیرقابل پذیرش است. (۱) به نظر می‌رسد طرف غربی اعتقاد دارد که تهران به این سانتریفیوژها به چشم اهرم فشار در مذاکرات نگاه می‌کند. بنابراین می‌توان گفت، دستور کار اصلی اروپا و آمریکا در این حوزه همچنان مخالفت با غنی‌سازی در داخل ایران (نگاه حداکثری) و کاهش سطح آن و ادامه نظارت فرایادمانی آژانس همراه با نابودی سانتریفیوژهای پیشرفته (طبق برجام- نگاه حداقلی) است.

در این زمینه باید به سخنان رافائل گروسی، مدیرکل آژانس توجه ویژه کرد. زمینه‌سازی‌های وی با پوشش مسائل فنی، بیان نکات در مورد داده‌های ضبط شده توسط دوربین‌ها و تاکید او مبنی بر عدم پاسخ ایران به نامه آژانس در مورد تمدید تفاهم دوجانبه و اصرار بر محدود شدن دسترسی‌ها در ایران؛ همزمان با اتمام مهلت تمدید توافق در ۲۴ ژوئن، از همکاری آژانس با طرف ناقض برجام حکایت دارد. در واقع، گروسی سعی می‌کند برای مقاصد سیاسی طرف مقابل، پوشش فنی و نگرانی‌های مشروع ایجاد کند. طرف مقابل با همکاری آژانس سعی دارد این خط خبری و تحلیلی را در رسانه‌ها و البته مذاکرات پررنگ کند که «به دلیل عدم تمدید توافق ایران با آژانس، اطلاعات این نهاد از میزان و توانایی غنی‌سازی ایران روزبه‌روز کاسته شده، بازگشت به برجام را دشوارتر کرده و زمان گریز هسته‌ای ایران را به کمتر از یک سال رسانده است.» هدف نهایی این تلاش مشترک نیز مشخص است: «ایجاد تردید و هراس در تهران از بحرانی شدن رابطه با آژانس، تشدید تنش با آمریکا و اروپا و در نتیجه رضایت به دستورکار طرف مقابل در حوزه راستی‌آزمایی، توالی اقدامات و تعلیق تحریم‌ها.»

انتظارات انریکه مورا، نماینده اتحادیه اروپا در کمیسیون مشترک برای توافق آژانس و ایران درخصوص ادامه نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای، هشدار آنتونی بلینکن و ژان ایو لودریان به تهران در مورد فرصت محدود برای بازگشت به اجرای تعهداتش مطابق برجام و سخنان بلینکن که گفته بود «پیشرفت در برنامه هسته‌ای ایران، بازگشت به برجام را دشوارتر می‌کند»؛ همه و همه در این چارچوب، یعنی انداختن توپ در زمین ایران قرار می‌گیرند تا ایران- به دلیل اصرار بر لغو تحریم‌های دوره ترامپ، راستی‌آزمایی اقدامات آمریکا و نگرانی از تکرار اقدام ترامپ در آینده- مقصر شکست یا کندی مذاکرات قلمداد شود.

۲- اختلاف کلیدی دوم در مورد دامنه تحریم‌هایی است که آمریکا باید آنها را لغو کند. اکتفا نکردن ایران به تعلیق تحریم‌ها یا صدور معافیت‌های دوره‌ای در مورد قوانین مصوب کنگره و همچنین لزوم ارائه ضمانت از سوی آمریکا برای خارج نشدن مجدد از برجام و بازگشت تحریم‌ها و اصرار آمریکا بر این نکته که «قرار نیست همه تحریم‌های وضع شده بر ایران در دوره ترامپ لغو شود»، مذاکرات را به طور جدی در معرض خطر قرار داده است.

ایران به خوبی آگاه است که آمریکا در مورد تکرار رفتار ترامپ در آینده یا افزایش فشار کنگره بر دولت آمریکا در مورد توافق هسته‌ای و تحریم‌های بیشتر ضدایرانی، نمی‌تواند و نمی‌خواهد تضمین دهد.

به نظر می‌رسد هدف ایران در این مرحله، امتیازگیری بیشتر است، اما این مساله نیاز اصلی ایران برای فروپاشی شاکله تحریم‌ها را رفع نخواهد نکرد. ایران باید به طور جدی «لغو تحریم‌های کلیدی» را مطالبه کند تا مسائل داخلی و رقابت‌های حزبی آمریکا کمترین تاثیر را بر انتفاع تهران از برجام داشته باشد. مذاکره کنندگان ایرانی به خوبی آگاه هستند که اصل مناقشه بین ایران و آمریکا، تداوم خواهد داشت و حتی بر فرض احیای برجام مطابق نظر تهران، فشارهای بعدی در حوزه منطقه‌ای، توان دفاعی و حقوق بشر خواهد بود. اگر تحریم‌های کلیدی فارغ از برچسب آنها در این مذاکرات لغو نشوند، آمریکا نهادها، افراد و برنامه‌های منطقه‌ای و دفاعی ایران را ذیل برچسب‌های مبارزه با تروریسم و... مجددا تحت تحریم قرار خواهد داد و چرخه مذاکره برای امتیاز دادن به آمریکا و انتفاع اقتصادی محتمل است؛ موضوعی که در کوران مذاکرات هسته‌ای نیز بارها توسط طرف غربی تکرار شده است. ۲.

۳- اختلاف کلیدی سوم در مورد تقدم و تاخر گام‌های طرفین در اجرای تعهدات است. ایران بر راستی‌آزمایی اقدامات آمریکا و سپس بازگشت به تعهدات برجامی اصرار دارد. آمریکا نیز به طور صریح اعلام کرده است که این روند را نخواهد پذیرفت. سابقه آمریکا در برجام و ارائه نکردن تضمین از جانب

کاخ‌سفید، ایران را با تردیدهای جدی مواجه کرده است. به همین دلیل باید توجه داشت که اصل، بازگشت آمریکا به برجام نیست، بلکه نکته فوق‌العاده مهم خروجی مذاکرات در حوزه تحریم و توالی اقدامات است. ایران بدون حضور آمریکا و به شرط لغو تحریم‌ها نیز می‌تواند طبق برجام، تعهدات هسته‌ای خود را اجرا کند. بنابراین تهران باید تعهدات هسته‌ای را به‌گونه‌ای انجام دهد که اولاً اصل هم‌وزن اقدامات و ثانیاً بازگشت‌پذیری آنها در مدت زمان قابل قبول رعایت شود. پس تهران باید قبل از توافق، بر لزوم لغو تحریم‌ها تأکید و آن را مطالبه کند. موضوع اخذ تضمین از آمریکا، باید اولویت بعدی باشد. تشکیل کمیته‌ای در شورای عالی امنیت ملی برای بررسی مذاکرات وین، نشان‌دهنده عزم تهران برای حل این مساله است. اما تجربه برجام نشان داده است که تعجیل در انجام تعهدات، بدون توجه به هدف مذاکره (لغو تحریم‌ها و بهره‌برداری مداوم اقتصادی از آن) در نهایت به نقض تعهد طرف مقابل، فشار اقتصادی بیشتر و فرسایشی‌شدن مذاکرات مجدد منجر می‌شود. برای جلوگیری از این امر، مطالبه لغو تحریم‌ها و سپس انجام تعهدات هسته‌ای ضروری است.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: دنیای اقتصاد